دریچه

تاثیر رفاقت کارگردان با دبیر فجر بر «شکار حلزون»

کلی ناسزا شنیدم

همدلی| محمدرسول صفری بازیگر فیلم‌های «مجنون» و «شکار حلزون» معتقد است در جشنواره چهل و دوم فیلم فجر به دلیل برخی حواشـــی در حق فیلم «شکار حلزون» کم‌لطفی شد.

محمدرســـول صفری بازیگر فیلم‌های «شکار حلزون» به کارگردانی محسن جسور و «مجنون» به کارگردانی مهدی شـــامحمدی که در چهل و دومین جشـــنواره بین‌المللی فیلم فجر نمایش داده شـــدند، درباره تجربه نقش‌آفرینی در این ۲ فیلم گفت: تجربه خیلی خوبی بود به دلیل اینکه ۲ نقش مختلف و متفاوت را داشتم؛ یک فیلم دفاع مقدســـی با عنوان «مجنون» که در آن نقش شـــهید بزرگوار جواد دل‌آذر را ایفا کردم و فیلم «شکار حلزون» به کارگردانی محسن جسور با نقشی متفاوت. این افتخار را داشتم با ۲ کارگردان که فیلم اول سینمایی‌شان را ساختند همکاری کنم؛ مهدی شامحمدی کارگردان «مجنون» که مستندساز بسیار معتبر و باسوادی است و جوایـــز متعددی را دریافت کرده اســـت. فکر می‌کنم تجربه عظیم شـــامحمدی از دنیای مستند به داد فیلم «مجنون» رســـیده و اگر مردم و منتقدان «مجنون» را دوست داشـــتند به دلیل تجربه ۲ دهه شامحمدی در عرصه ســـینمای مستند بوده است و محسن جسور که کارگردان کاربلدی است.او معتقد است در چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به فیلم «شکار حلزون» محسن جسور کم‌لطفی شد.صفری در این زمینه یادآور شد: «شکار حلزون» فیلمی هنرمندانه، روان و دارای قصه و پرداخت خوب است که البته نقص‌های خود را هم دارد. کم‌لطفی به این دلیل بود که محســـن جسور به عنوان فیلمنامه‌نویس با مجتبی امینـــی دبیر چهل و دومین جشنواره فیلم فجر سال‌ها قبل همکاری داشته است. در ابتدای جشنواره صحبت‌هایی مبنی بر این مطرح شد که دوســـتی جسور و امینی باعث شده که «شکار حلزون» به جشـــنواره فیلم فجر راه پیدا کند که من اصلاً به این موضوع باور ندارم. فکر می‌کنم از ســـوی ستاد جشنواره احتیاطی به عمل آمد تا این فیلم زیاد دیده نشـــود؛ به عنوان مثال بازی فرناز زوفا به عنوان نقش اول که بسیار ایفای نقش خوبی داشت اصلاً دیده نشد.

این بازیگر ســـینما درباره اینکه آیا بازخورد قابل قبولی از تجربه حضور در فیلم‌های «شـــکار حلـــزون» و «مجنون» داشته است یا نه، توضیح داد: برای «شکار حلزون» حدود ۶ روز در فیلمبرداری حضور داشتم، این فیلم مستقل بود و بودجه‌ای از نهاد یا مرکز خاصی نگرفت و من هم برای حضور در این فیلم دستمزدی نگرفتم. توقع آنچنانی نداشتم و اینکه فیلم ساخته و نمایش داده شد اتفاق قابل قبولی برای من است. اما برای «مجنون» خیلی زحمت کشیدم.او تاکید کرد: خیلی دوست داشتم برای «مجنون» کاندیدا بشوم و جایزه بگیرم. البته من تلاش خودم را می‌کنم و حرکتم رو به جلو اســـت و قطعاً روزی از جشنواره فیلم فجر جایزه می‌گیرم ولی دلیل اینکه دوست داشتم برای «مجنون» جایزه بگیرم این است که نقش شهید جواد دل‌آذر برای من خاص شد. وقتی قرار شد این نقش را ایفا کنم اتفاقاتی افتاد که دیدم چقدر به این شخصیت نزدیک هستم؛ پدر من در عملیاتی که جواد دل‌آذر فرمانده آن بوده جانباز و عموی من در آن عملیات شهید می‌شود. پدر من در گلزار شهدایی که شهید دل‌آذر آرمیده به خاک ســـپرده شده است و اتفاقاتی از این دست.صفری اظهار کرد: می‌شد نه من بلکه جواد دل‌آذر را بهتر دید زیرا حقش بیش‌تر از این بود. جواد دل‌آذر قهرمانی تکرارنشـــدنی با شخصیتی بسیار عجیب و دوست‌داشتنی است و فکر می‌کنم می‌شد بیش‌تر به این شخصیت پرداخت. شهید دل‌آذر یک قهرمان شجاع، نترس و فرمانده عملیات بوده است و آدمی بود که بعثی‌ها از دست او به ستوه آمده بودند.این بازیگر ســـینما درباره واکنش‌هایی که از ســـوی دیگران نســـبت به حضورش در جشنواره فیلم فجر وجود داشته اســـت، تصریح کرد: واکنش‌های زیادی به حضورم در جشـــنواره فیلم فجر دیدم. نمی‌دانم چرا به خود اجازه می‌دهیم برای دیگران تعیین کنیم که چه چیزی درست اســـت و چه چیزی غلط. مگر ما به جز جشنواره فیلم فجر جشـــنواره دیگری برای دیده‌شدن تلاش و زحمت‌هایمان داریم؟ من ۵ ماه در فیلم «مجنون» در شـــرایط ســـخت و وحشتناک در تالاب شادگان کار می‌کردم و هفته‌ای یک بار زیر سرم بودم و این وضعیت برای تمام گروه وجود داشت. من با این همه تلاش چرا نباید به جشنواره فیلم فجر بیایم؟ روزی که اولین عکس از جشـــنواره را در فضای مجازی‌ام گذاشتم میزان ناسزا و بد و بیراه‌ها به حدی زیاد بود که باعث تعجبم شد.او متذکر شد: مشکلات و اعتراض‌ها وجود دارد و من هم جزو همین مردم هستم و در همین شرایط اقتصادی و گرانی زندگی می‌کنم اما اگر برای فیلم خودم به جشنواره فیلم فجر نروم باید در کجا و چه رویدادی شـــرکت کنم؟ من هنرمند باید برای اعتراض کار خود را تعطیل کنم؟ مگر شرکت‌ها، سوپرمارکت‌ها و باقی مشاغل کار خود را به دلیل گرانی تعطیل می‌کنند؟صفری یادآور شد: امیدوارم دوستان، همکاران و مردم به این نکته توجه کنند که نمی‌شود کار را تعطیل کرد و نمی‌توان گفت که چرا هنرمندان در جشنواره شرکت می‌کنند. برای فوتبالیست‌ها هم همین اتفاق می‌افتد در حالی که یک فوتبالیست زحمات بسیاری کشیده تا بتواند در تیم باشـــگاهی یا تیم ملی حضور پیدا کند و دیده شود. بازیگر و هنرمند هم ســـال‌های زیادی زحمت می‌کشد تا دیده شود. مگر من هر سال تعداد زیادی فیلم در جشنواره داشته‌ام که حالا بگویم دیگر در جشنواره شرکت نمی‌کنم؟ بعد از این همه ســـال امسال ۲ فیلم در جشنواره داشتم و معلوم است که باید در کنار کارم بایستم و از کارم دفاع کنم.

رضا صادقی در کنسرتی که داریوش فرضیایی «عمو پورنگ» میهمان ویژه آن بود، برای مخاطبان خاصش خواند

پیراهن مشکی برای کودکان کار آواز سر داد

همدلی| از سالن مرکز همایش‌های برج میلاد تهـــران صـــدای همهمه و جیـــغ می‌آید. کمی آنطرف‌تر در خود ســـالن تا چشـــم کار می‌کند کودکانی اغلب با لباس مدرسه نشسته یا سر جای خود ایســـتاده‌اند و در حال ســـر دادن جیغ‌های بنفش هستند؛ جیغ‌هایی که از جنس هیجان و خوشحالی‌اند.

دیروز ۱۴ اسفند کنسرت متفاوتی از رضا صادقی در برج میلاد برگزار شـــد؛ کنســـرتی از همان اجراهـــای رایـــگان که با یک نیت خیـــر برگزار می‌شـــوند، منتهی میهمان‌های این کنســـرت کودکان بودند؛ کودکان کار!

فضای امـــروز برج میلاد، با حال و هوای روزهای دیگر بسیار متفاوت بود. دیروز برج میلاد پر بود از یک‌دستی و سادگی کودکانی که از آنها دعوت شده بود ساعاتی را در یک کنسرت بدون داشتن دغدغه‌های بزرگسالانه بگذرانند.

کودکانی مهمان کنسرت رضا صادقی بودند که دنیای متفاوتی را با بسیاری از هم سن و سالان خود می‌گذرانند و دغدغه‌های آنها، دغدغه‌های کودکانـــه نیســـت. کودکانی که شـــاید فرصت دیدن تلویزیون را نداشته باشند و عموپورنگ را نشناسند؛ به همین دلیل وقتی که در کنسرت از آنها خواسته می‌شود داریوش فرضیایی را تشویق کنند با بهت ســـوال می‌کنند که «عمو پورنگ کیه؟»

این کودکان شاید حتی هیچکدام از آهنگ‌های کنســـرتی که در آن شـــرکت کرده‌انـــد را هم نشنیده باشـــند؛ به همین دلیل وقتی صادقی از آنها می‌پرسد که آهنگ «مشکی رنگ عشقه رو شنیدید؟» باز هم تعداد زیادی از آنها می‌گویند نه! بـــه هر حال اما امروز مجالی بود که این کودکان لحظاتی از آن فضای ســـخت زندگی روزانه خود فاصله بگیرند و فرصتی داشته باشند که تا حدی با ســـر دادن آن جیغ‌های بنفـــش انرژی خود را تخلیه کنند.

در ابتدای این کنسرت رضا صادقی پس از خواندن قطعه اول گفت: «سلام. من خیلی خوشحالم که تک تک شما را می‌بینم. الهی دور سرتون بگردم که انقدر ماهید. چقدر من و خوشـــحال کردید که اومدیـــد. خیلی ممنونم که اینجا هســـتید. برای خودتون یه دســـت خیلی خوب بزنید. این بهترین اجراییه که امسال داشتم، اینکه الآن شما اینجایید و من کلی خوشحالم. خیلی ممنونم که برای خوشحالی من و دوستان من اینجا هستید. ولی احساس می‌کنم انرژی‌هاتون کمه؛ یعنی اون صدایی که باید بشنوم و نمی‌شونم. انقدر خاطره دارم کـــه براتون تعریف کنم. من یه رفیقی دارم که خیلی آدم حسابیه خیلی خوبه به شدت هم شماها رو دوست داره. به افتخارش دست بزنید. من دو تا دختر کوچولو دارم که خیلی دوســـت داشتم اونا هم اینجا بودن ولی نشد. به افتخار عمو پورنگ یه دســـت خیلی ویژه بزنید. عمو پورنگ داره یه سریال خیلی جذاب بازی می‌کنه و باوجود کلی کاری که داره وقتـــی ازش خواهش کردم، باتموم قلبش خیلی سریع به اینجا اومد.»

پـــس از اینکه صادقی از داریـــوش فرضیایی نام برد، این مجری کودک به سمت سالن ایستاد و کودکان با تمام انرژی او را تشویق کردند.

این کنســـرت همواره با مراوده‌های رضا صادقی با تماشـــاچیان کوچک کنســـرت همـــراه بود، رضا صادقی از خـــود و زندگیش می‌گفت و این تماشـــاچیان کوچک به حرف‌هایش گوش و با صدای جیغ و فریاد او را همراهی می‌کردند.

در بخـــش دیگری از این کنســـرت رضا صادقی خاطره نخستین ارگی که برای خود خریده است را تعریف کرد و گفـــت: «اولین باری که یه ارگ خریدم یادمه کلی براش کار کردم تا خریدمش. اون روز می‌دونســـتم یه روزی خـــدا اونقدر بهم کمک می‌کنه تا به یه جاهایی برســـم که امروز کلی کیف کنم. الان هم که می‌بینم شماها انقدر حالتون خوبه کلی خوشحالم. من می‌خوام اینجا خیلی شاد باشه قبول دارید عمو رو؟»

صدای شـــادی این کودکان همچنان در گوش می‌پیچید و انرژی‌شان انرژی می‌بخشید تا اینکه صادقی به معرفی آصف آریا که در کنسرت حضور داشت پرداخت و گفت: «امروز یه خواننده خیلی خوش صدا اینجاســـت که می‌دونـــم صداش و دوســـت دارید. به افتخار آدمی که خیلی شما رو دوســـت داره و وقتی شنید شما قراره بیاید همه کاراش و رها کرد و اومد اینجا».

موضوع بعدی که صادقی درباره آن با تماشاچیان خود صحبت کرد، بحث طرفداری اســـتقلال و پرســـپولیس بود که صحنه جالبی را رقم زد. به این صورت که وقتی صادقی گفت که «بچه‌ها یه سوال بپرسم؟ چند نفرتون استقلالی هستید؟» بیشتر سالن خیلی آرام سر جای خود نشستند و وقتی درباره تعداد طرفداران پرسپولیس سوال کرد به یک باره صدای فریاد و خوشـــحالی آنها سالن را پر کرد.

«من یه رفیق داشتم که خیلی فوتبالی بود؛ علی انصاریان. بیاید یه آهنگ به یادش بخونیم».

یکی دیگر از قطعاتی که در این کنسرت خوانده شد، «مشکی رنگ عشقه» بود که صادقی پیش از اجرای آن گفت: «می‌خوام یه کاری کنیم که همه تهران به ما حسودیشون بشه. ببینم چیکار می‌کنید. یه آهنگی دارم که شـــما هنوز به دنیا نبودید و من خوندم.

مشکی رنگ عشقه رو شنیدید؟ من هم سن شما بودم خیلی به درس علاقه نداشـــتم ولی به هنر علاقه داشـــتم چند نفر از شما درس خونید؟ به افتخار درس خونا. امیدوارم یه روزی چند نفر از شما رو روی صحنه کنسرت‌ها ببینم».

در این کنســـرت اما یادی هم شـــد از کودکان سیستان و بلوچســـتان که این روزهای با سیل دست و پنجه نرم می‌کنند و رضا صادقی ضمن تقدیم یکی از آهنگ‌های اجرایی این کنســـرت گفت: «می‌دونید کـــه این چند وقت کلی بارون و برف بود، ولی مـــن الان می‌خوام یه آهنگی و از طرف خودم و شـــما به بچه‌های سیســـتان و بلوچستان که الان کلی دارن اذیت میشن تقدیم کنم. به افتخارشـــون یه دســـت قوی و شاداب بزنید.»

در این کنسرت رضا صادقی طی دو نوبت دو نفر از بچه‌های حاضر در سالن را روی صحنه دعوت کرد؛ یک بار کودکی که گویا در خود غرق شده بود و چندان شاداب نبود و بار دیگر یکی از همان بچه‌هایی که حسابی استقلال را تشویق کرد.

به نوشته ایسنا، این کنسرت پر بود از سادگی و راســـتی تا جایی که وقتی صادقی از کودکی که حال چندان خوشی نداشت، درباره آهنگ مورد علاقه اش پرســـید، گفـــت: «آهنگ مورد علاقه ندارم»!

و یا وقتی که آن دختربچه استقلالی روی صحنه رفت و کنار صادقی نشســـت، در پاسخ به سوال صادقی درباره نمره ریاضی‌اش از گفتن حقیقت طفره نرفت؛ ««من از کودکی ریاضیم ضعیف بود هیچ‌وقت بالای ۹ نمی‌شدم. نمره ریاضی تو چنده عمو جان؟»

_ «مال من یه نمره کمتر از شما».

«من پدرم یه کارگر ســـاده بود و هســـت. خدا حفظش کنه. پدرم دو ســـه سال سر کار نرفت و زندگیم سخت شد. من سر کار رفتم و کلی پول درآوردم. چیز خوبی هم نمی فروختم سیگار بود ولی سودش خوب بود. یکی بهم گفت تهش که چی گفتم؟ که من گفتـــم خودم میدونم تهش خوبه. من از شـــما به عنوان پدرتون می‌خوام ک همیشه قوی و خوشحال باشید.»

این کنســـرت پس از ســـلفی رضـــا صادقی و تماشاچیان با آهنگ «وایسا دنیا» به پایان رسید.

در پشت صحنه برنامه چه خبر است

سوژه‌هایی که اشک می‌گیرند

همدلی| فصل دوم «محفل» با حضور شرکت کنندگان جهانی شـــامل کیم جای خواننده کره ای از ابتدای ماه مبارک رمضان روی آنتن شبکه سه می‌رود.

«محفل» دارد به یکی از برندهای جدی تلویزیون در ماه مبارک رمضان تبدیل می‌شود؛ با مهمانانی که هم با صدا و صوت شأن مخاطب را به آسمان می‌برند هم برخی با داستان زندگی‌هایشان او را در یک سفر معنوی همراه می‌کنند.

امســـال دومین فصل از این برنامه با آغاز ماه مبارک رمضان در شـــبکه سه ســـیما روی آنتن می‌رود اما از همان فصل اول هم مخاطبش را جذب کرد و توانست به برندی رقیب برای برنامه‌های رمضانی بدل شـــود. برندی که وابسته به یک فرد یا یک مؤلفه نیست بلکه در این ترکیب همه برنده‌ها جمع شده‌اند از سوژه‌های برنامه که امسال رنگی بین المللی هم به خود گرفته‌اند تا میزبانانی که هر یک به نوعی بر شور و آگاهی برنامه می‌افزایند و در نهایت اجرای رسالت بوذری که حلقه وصل همه اتفاقات برنامه است و سابقه و تجربه اش کمک کرده تا اینجا در نقطه درستی بایستد.

انتظـــارات از «محفل» در فصـــل دوم بالاتر هم رفته اســـت و ســـازندگان هم با جایگاهی که این برنامه در فصل اول به دست آورد خیز بزرگ‌تری برداشتند. این برنامه نوروز و رمضان گذشته توانســـت پس از «زندگی پس از زندگی» و داستان‌های مرگ و زندگی این برنامه که در این چند سال حسابی در دل مخاطب جا باز کرده است دومین جایگاه برنامه‌های پرمخاطب را با اختلافی چند درصدی به دست آورد.

به ویژه که حالا در شـــبکه و به عنوان جایگزین برنامه‌ای پخش می‌شـــود که سال‌ها برند بی رقیب برنامه‌های رمضانی دم افطار بود؛ «ماه عسل» احسان علیخانی که حتی بعد از تمام شدنش کسی فکر نمی‌کرد دیگر برنامه‌ای بتواند جایگزین آن شود.

در یکی از روزهای ضبط و تصویربرداری به پشت صحنه برنامه می‌روم. لوکیشن برنامه سوله ای در نزدیکی گلزار شهدای گمنام اســـت. محلی که وقتی واردش می‌شـــوید ابتدا تهران را با همه وسعتش یک جا مقابلتان می‌بینید و قبل از ورود به صحنه، تصویر غروب خورشـــید از نقطه‌ای بام مانند و کوچکیِ شهر بزرگی که حالا همه اش زیر پایم اســـت، نظرم را جلب می‌کند. جمعی از مردم هم اینجا حاضر هســـتند؛ کسانی که آمده‌اند تا از نزدیک شاهد این «محفل» آسمانی باشند؛ از یکی شأن دلیل حضورش را می پرسم. خانمی است حدوداً ۶۰ ساله، می‌گوید بودن در این استودیو حال خوبی دارد و بعد توضیح می‌دهد که یک بار آمده و داستان یک قاری نابینای قرآن را شنیده و چقدر برایش اشک ریخته است و حالا باز هم دوست دارد در این فضا قرار بگیرد.

ساعت به ۱۸ نرســـیده که وارد لوکیشن اصلی برنامه می‌شوم. جایی که تا ۲ ماه پیش هیچ سازه‌ای نداشته و زمین خاکی بوده اســـت؛ اینها را عوامل برنامه می‌گویند. اینکه برای حضور بیشتر مـــردم علاقه‌مند در این فصل مجبور شـــده‌اند جای بزرگ‌تری تدارک ببینند و این دکورها را ۲ ماهه ساخته‌اند. اتاق‌های تدوین، تمرین، ســـردبیری و اتاق‌های مختلفی تدارک دیده شده‌اند که از رنگ تازه دیوارها و رطوبت شـــان می‌توان حدس زد که آماده سازی شان بیشتر از همین ۲ ماه نباشد.

ابتدا استیج برنامه را از یکی از همین اتاق‌ها می بی نم؛ از داخل تلویزیونی که برای یکی از اعضای تیم نویسندگی برنامه تدارک دیده شده است. میثم تمار مهمان عراقی برنامه قاری قرآن است و آیه‌هایی از قرآن را تلاوت می‌کند.

همیـــن ابتدا می‌توانم با محمد اقدم نژاد کارگردان هنری برنامه هم گفت‌وگو کنم که در فرایند انتخاب ســـوژه‌ها و مهمانان هم نقش مهمی داشـــته اســـت و ابتدا با اشـــاره به سوژه یابی های برنامه می‌گوید: ســـوژه یابی دقیقاً بعد از پخش شروع شد یعنی از اواخر فروردین همین ســـال جاری. ما رصد کردیم تا ببینیم چه سوژه‌هایی را مخاطب بیشتر دوست داشته است و بازخورد بیشـــتری داشـــته‌اند. بعد فهمیدیم کودکان جذابیت بیشتری داشته‌اند و سعی کردیم از شهرهای مختلف این سوژه‌ها را پیدا کنیم. او درباره اینکه چطور به این ســـوژه‌ها وصل شـــده‌اند هم توضیح می‌دهد: ما ابتدا سعی کردیم استادان حوزه علوم قرآنی و قرائت و حفظ را پیدا کنیم و بعد از طریق آنها بهترین شاگردها و استعدادها را پیدا کنیم. بعد از آن سوژه‌ها را انتخاب و باز خودمان هم با آنها تمرینی داشتیم. اینجا هم مربیانی داریم که به سوژه‌ها آموزش‌هایی ارایه می‌دادند.قدم نژاد درباره تعداد ســـوژه‌ها هم این‌طور می‌گوید: ابتدا ۳۰۰۰ ســـوژه داشتیم که افراد این میان دایم غربال می‌شدند. اول مصاحبه تلفنی انجام شد و بعد مصاحبه تصویری و بعد از آن هم مصاحبه حضوری داشتیم که تعداد این افـــراد به ۴۰۰ نفر و ۲۰۰ نفـــر و در مرحله آخر هم به ۱۰۰ نفر رسیدند که قرار است در برنامه حضور داشته باشند.

میثم تمار روحانی عراقی و قـــاری قرآن همچنان دارد آیاتی از قـــرآن کریم را تلاوت می‌کند.از جمله مهمانانی که پیش از این نام‌هایشان هم مطرح شده است کیم جای خواننده کی پاپ است که با روی آوردن به اسلام نام خود را داوود کیم گذاشته است و قصه زندگی و مسلمان شدنش یکی از قصه‌هایی است که در این فصل دیده خواهد شد.با این حال خیلی کوتاه می‌توانم با رضوان درویش گفت‌وگو کنم. او متولد دمشـــق اســـت و درباره حضور ســـوژه‌های بین المللی در این فصـــل از برنامه می‌گوید: در این مدت برنامه «محفل» بازتاب جهانی زیادی داشته است. مثل بقیه کشورها در سوریه هم این برنامه دیده شده است. خیلی مخاطبان زیادی دارد و بسیاری این برنامه را پیگیری می‌کردند. این افراد در فضای مجازی به من پیام می‌دادند و خیلی علاقه داشتند که در «محفل» شرکت کنند.فرصت نمی‌شود با رسالت بوذری صحبت کنم. فقط ســـلام می‌کنم و می پرسد چطور از ساعت ۱۸ تا این وقت شب آنجا بوده‌ام. خودشان البته کارشان به بامداد می‌کشد و فقط می‌توانم برای زمانی دیگر از او وقت بگیرم.

به نقل از مهر، قبل از اینکه برنامه شـــروع شـــود رسالت بوذری نکته‌ای را خطاب به حاضران در استودیو می‌گوید: دوست دارید مردم چطور شما را ببینند؟ تصور کنید سفره افطار پهن است و مردم دارند شما را می‌بینند. بهترین چیز خود بودن است. تلاشی برای دیده شدن نکنید. ســـیزده دوربین با زوایای مختلف شما را می‌گیرنـــد پس نیازی به تلاش نیســـت. امیدوارم که تصاویر ماندگاری بماند، مخصوصاً امیدواریم این تصاویر نزد خدا ماندگار باشد.با این سخنان مجری همه عوامل و میزبانان آماده می‌شوند و ضبط قسمت بعدی برنامه آغاز می‌شود.

اقدم نژاد نیم گاهی هم به تلویزیون و سوژه‌ها دارد. بعد از مکثی کوتاه درباره سوژه‌های بین المللی که امسال حضورشان پررنگ‌تر شده است، توضیح می‌گوید: برخی از ویدیوهای ما در شبکه‌های اجتماعی در کشورهای دیگر بازدیدهایی میلیونی خورد و همین باعث شـــد که امسال به این بخش ضریب دهیم که یکی از آنها همان داوود کیم است که در برنامه حضور دارد.

بعد از این گفت‌وگو وارد صحنه اصلی برنامه می‌شوم؛ سوله بزرگی که فقط ارتفاع آن به ۱۱ متر می‌رسد. دور تا دور صحنه با آیاتی از قرآن که روی چوب کار شده، تزیین شده است. جمعیت زیادی از مردم حضور دارند جمعیتی که به هزار نفر هم می‌رسد. این عدد را خود عوامل می‌گویند اینکه حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر در وســـط هفته خود را به برنامه می‌رسانند و آخر هفته‌ها این عدد تا هزار نفر هم می‌رسد.شنیدن قرائت قرآن از این صحن و به صورت زنده حال دیگری دارد. داوران هم با هر آیه و صوتی که اوج می‌گیرد شور می‌گیرند و با هر مکث الله الله می‌گویند. ابوالقاسمی قاری قرآن و یکـــی از میزبانان ادامه یکی از آیات را می‌گیرد انگار که می‌خواهد به این صوت روح‌بخش دم دیگری اضافه کند.

قاری عراقی می‌رسد به سوره‌های کوتاه‌تر قرآن و این آیه سوره «ضحی» را با طمانینه بیشتری می‌خواند که «و لسوف یعطیک ربک فترضی» (و به زودی پروردگارت آن قدر به تو می بخشـــد که راضی شـــوی). لحن و صوتش به گونه‌ای اســـت که «طیب طیب‌های» داوران را بلند می‌کند به شـــکلی که با خودت فکر می‌کنی چه خوشبخت است کسی که پروردگارش چنین صوتی به او بخشـــیده است و با صدایش می‌تواند جماعتی را به آسمان ببرد. وارد سوره بعدی می‌شـــود، «والضحی و لیل اذا سجی» را می‌خواند که این بار همه داوران دسته جمعی او را در قرائت آیات این سوره همراهی می‌کنند. مردم هم برخی شان زیر لب زمزمه می‌کنند. شوق و ذکر و حال شان غرق می‌شود در این فضا. حالا نوبت داوران است که بعد از واکنش‌هایی که به این شرکت کننده داشته‌اند با او صحبت کنند.

رویداد

مروری بر آلبوم‌هایی در روزهای آخر اسفند منتشر شدند

طنین زمستانی مضراب‌ها

همدلی| چند آلبـــوم طی روزهای پایانی اســـفند ماه سال ۱۴۰۲ در قالب گونه های متنوع موسیقایی پیش روی مخاطبان در حوزه نشـــر دیجیتالی آثار هنری قرار گرفته‌اند.برخـــی از هنرمندان فعال عرصه‌های مختلف موسیقی طی روزهای پایانی سال ۱۴۰۲ اقدام به انتشار تازه‌ترین آثار خود در حوزه نشر دیجیتال کرده‌اند.

«زخمه های جاودانه»؛ شنیدن بخشی از زحمات هشتاد ساله استاد

آلبوم «زخمه های جاودانه» یکی از تازه‌ترین آثار منتشر شـــده در فرآیند فروش محصولات موسیقایی است که مشـــتمل بر ارائه آثار منتخب مرحوم فرهنگ شریف از مدرسان و هنرمندان شاخص و پیشگام موسیقی ایرانی پیش روی مخاطبان قرار گرفته اســـت.در توضیح این مجموعه آمده است: «مجموعه حاضر چکیده‌ای است، برآمده از هشتاد سال تلاش بی‌وقفه هنرمندی که آوای سازش به گوش ایرانی‌ها طنین‌انداز است؛ گویی صدای تار در حافظه شـــنیداری مردم ایران با این ســـونوریته حک شده اســـت.نوازندگی تار به سبک روانشاد استاد فرهنگ شریف به عنوان یکی از ستون‌های شناخت تارِ ایرانی در کنار دیگر ســـبک و سیاق‌های تارنوازی کاملاً شناخته‌شده و پذیرفته شده است.گرچه نمی‌توان روشی واحد برای آموختن این ســـبک نوازندگی ابداع کرد؛ اما نگاهی جامع به ابعاد مختلف موسیقی دستگاهی ایرانی می‌تواند راهگشای فراگیری راز و رمز این شیوه باشد تا بتوان همه آنهـــا را در کنار هم پذیرفت و خانواده بزرگ موسیقی ایرانی را که سلیقه‌های متنوعی در برمی‌گیرد، شناخت.این مجموعه که شامل هفت آلبوم و یک جلد کتاب است، به قلم هنرمندان گرانقدر جناب استاد فرهاد فخرالدینی و جناب استاد حسین علیزاده در وصف استاد فرهنگ شریف و خط جناب استاد یدالله کابلی روی طرح جلد، مزین شده است.»

«موسیقی لرستان»؛ شنیدن تنبورلکی امام قلی امامی

«موسیقی لرستان» هم آلبوم جدیدی درحوزه موسیقی نواحی ایران است که در قالب پروژه موسیقی نواحی ایران مؤسسه ماهور پیش روی مخاطبان قرار گرفته است.در این آلبوم موســـیقی ۱۷ قطعه موسیقایی با هنرمندی امام قلی امامی نوازنده تنبور لکی و پوریا فرجی و تاراله وردی منتشر شده است.«شاررا»، «نقاره»، «گل خاک»، «چَپـــی»، «قطار»، «هَل پَرکه»، «ســـحری»، «یاری»، «طرز»، «فرنگی رضا قلی»، «فرنگیِ بهمن میرزایی علی اللهی»، «فرنگی خان میرزایی»، «مالِ ژیری»، «خریوی»، «برزه کویی»، «پاوه موری» قطعاتی هستند که در این آلبوم شنیدنی شده‌اند.

«جایی باســـتانی»؛ ســـیری آزاد در یک جریان ملودیک

آلبوم «جایی باســـتانی -۱» عنوان یکی از تازه‌ترین آثار منتشـــر شـــده در بازار موسیقی اســـت که به تازگی با هنرمندی احســـان بنی طبا پیش روی مخاطبات قرار گرفته است.«برخاســـتن»، «آشـــوب»، «محوشدگی»، «اشـــک»، «مرثیه»، «شـــفق»، «فلق»، «بازگشـــت»، «یگانگی»، «تجلی»، «ابدیت» و «عدم» عناوین آثاری هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند.در توضیحات تکمیلی این آلبوم آمده است:

«آلبوم موسیقی «جایی باستانی» حدیث اُنس و فراق و عشق خداوندگاری از شکوه و عظمت با جانِ جهان است. این کانسپت آلبوم مبتنی بر سیری آزاد از جریان ملودیک بر بستر صوتی شکل گرفته در فواصل میکروتونال گام چهارگاه در تلفیق با گام دوماژور است و شاید مهمترین شـــاخصه آن، فرم میکروتونال دِرُن این آلبوم است که می‌تواند ظهوری نو در جریان موسیقیِ مبتنی بر فواصل موسیقایی ایرانی را نوید دهد.»

«میهنم سلام»؛ شـــنیدن یک اثر موسیقایی با صدای سالار عقیلی

آلبوم «میهنم ســـلام» هم عنوان یکی دیگر از آثار تازه انتشار یافته عرصه موسیقی است که با آهنگسازی پیمان سلطانی و خوانندگی سالار عقیلی دردسترس مخاطبان قرار گرفته اســـت.این آلبوم مشـــتمل بر هشت قطعه موسیقایی است که ترانه‌های توسط بیژن ترقی، غلامرضا ســـلیمانی و عارف قزوینی ســـروده شده است.«میهنم سلام»، «واریاسیون»، «ســـاز و آواز»، «دیرینه»، «فغان برای دو کمانچه»، «واریاســـیون براســـاس قطعه ایران جوان» آثاری هســـتند که در این اثر دیجیتال به چشم می‌خورد.

«آتش عشق»؛ سیری در موسیقی ردیف دستگاهی ایران

آلبوم «آتش عشـــق» هم عنوان یکی دیگـــر از آثار تازه انتشـــار یافته بازار موسیقی اســـت که با آهنگسازی و تنظیم حسین قاسم زاده و خوانندگی مهران زرین پور در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.

حمید قنبری نوازنده تمبک و دایره، علیرضا دریایی نوازنده کمانچه و ویولن، میلاد محمدی نوازنده تار و تارباس، مریم خدابخش نوازنده عود، علی عابدین نوازنده سنتور، حسین قاسم زاده نوازنده نی، حسن خدایـــی نیا صدابـــردار گروه اجرایی ایـــن آلبوم را تشکیل می‌دهند.

«آتش عشـــق» با شعر ســـعدی، «تک نوازی سنتور»، «آوازعشق» با شعرابوسعید ابالخیر، «بیدل» با شعر مولانا، «تک نوازی تار» و «طرب» با شعر مولانا از جمله قطعاتی هستند که در این آلبوم منتشر شده‌اند.